

داستان بانویی که مهرهای شکسته اهالی را بازسازی می‌کند

دست‌های نیایشگر عذرا خانم

راه تجربه



فاطمه سیرجانی‌اتر و فرزند
سفره کوچکی را روی میز وسط اتاق پهن
می‌کند. یک تخته و چاقوی بزرگی را روی سفره می‌گذارد
و بعد به سمت ظرف شویی آتش‌خانه می‌رود. او
بعد گرفتن وضو با تشتی پر گل و یک شیشه گلاب
برمی‌گردد تا کارش را شروع کند. زن پای سفره‌ای که
وسط اتاق پهن کرده است، می‌نشیند و در حالی که
زیر لب ذکر می‌گوید به قاعده، مقدار کمی از تکه
گل بزرگ توی تشت را برمی‌دارد و با قالب زدن‌های
مکعبی، تولید مهر را آغاز می‌کند.
عذرا مصطفایی، از قدیمی‌های محله سید رضی
است که هشت سالی می‌شود شروع به درست کردن
مهر نواز مهرها و تسبیح‌های شکسته کرده است.
اگرچه این کار را دلی و برای خودش انجام می‌داد،
کم‌کم آوازه تولید مهرهای او در محله چنان پیچید
که نه تنها بیشتر اهالی، مهرهای شکسته خانه خود
را برای مهرسازی دوباره به خانه او آوردند، که اکثر
مهرهای نمازگزاران مسجد غدیر باغلی و مساجد
و حسینیه‌های دور و اطراف هم برای نوکردن به
در خانه او آورده می‌شود.

دو کیسه مهر شکسته برایم آوردند

کم‌کم آوازه مهرهای نشکن عذرا خانم که همه او را به نام فامیلی
شوهرش «قدمی» می‌شناسند، در محله می‌پیچد. یک روز زنگ خانه
او به صدای آیدویکی از مسجدی هاد و کیسه پر از مهر شکسته برای
او می‌آورد و می‌گوید از حسینیه مسجد عمار یاسر است.
تعریف می‌کند: آن روز تشت بزرگی آوردم و حدود پانصد مهر شکسته را در
آن خیس کردم. بعد هم به مدت یک هفته فقط کارم کو باندن مهرهای
خیس شده در هاون و ورز دادن آن خمیرها بود تا برای درست کردن مهر
آماده شود. خاطرم هست مرحوم همسرم همیشه می‌گفت: «زن! پس
است. چقدر این خمیرها را امش می‌کنی؟ دست و شانه برایت نماند.»
اما حقیقت این است که من موقع این کار اصلاً احساس درد ندارم که
هیچ آرامش خوبی دارم و از اینکه با ساخت هر مهر، کار نیکی برای
خودم و به نیت پسر مرحومم انجام می‌دهم، خوشحالم.

آموزش مهرسازی به همسایه‌ها

هنر تبدیل مهرهای شکسته به مهرهای مقاوم برای همسایه‌های
عذرا خانم به قدری جالب است، که بعضی تصمیم گرفتند با گرفتن
دستورالعمل ساخت مهر، چاره‌ای برای مهرهای شکسته کنند
تا در ثواب این کار شریک شوند، اما پس از چند روز نایلون‌هایی از
لایه خمیر گل بود که به در خانه خانم قدمی می‌آمد برای آخرین
مرحله و ساخت مهر.

عذرا خانم در حالی که از پای سفره بلند می‌شود و سینی مهرهای
آماده را در فضای تاریک زیر میل‌ها قرار می‌دهد، می‌گوید: نمی‌دانم
چرا، اما همه همسایه‌هایی که به آن‌ها آموزش دادم، فقط تا مرحله
خمیر کردن، کار را پیش بردند و ادامه کار را برای خودم آوردند. حتی
بعضی باور نمی‌کردند من قالب مخصوص و دستگاهی نداشته باشم
باشم و همه کار، دستی باشد. او همان طور که سینی مهرها را جاسازی
می‌کند، از ساخت مهرهای خاص برای کسانی که روی صندلی
مخصوص، نماز می‌خوانند، می‌گوید و بعد در حالی که نایلونی پر
از مهر را از روی میز برداشته است و مهرهای پر قطر مثلی شکل را
نشان می‌دهد، ادامه می‌دهد: حتی فکر کسانی را کرده‌ام که روی
صندلی، نماز می‌خوانند و میزهایشان کمی شیب دارد است و مهر
مخصوص برای آن‌ها درست کرده‌ام.

عذرا خانم سفره و بساط مهرسازی‌اش را جمع می‌کند و می‌گوید: این
سفره، سفره برکت خانه است و تمام دلخوشی‌ام به وقت است که آن را
پهن می‌کنم. او بین این حرف‌ها مهری را به دستم می‌دهد و می‌گوید:
دخترم! چه کاری بالاتر از اینکه به وقت نماز یادت کنند و دعای خیر
پشت سرت باشد؟ تو هم وقت نماز یادم کن.



مهرهای سنگین و مقاوم

هر کاری فوت کوزه‌گری دارد. رمز مهرهای نشکن خانم قدمی هم
ساعت‌ها ورز دادن گل و خمیر مهر است، طوری که حتی طرح روی
آن نقش نمی‌گیرد. او تعریف می‌کند: قلق مهرهای دست‌ساز من در
ساعت‌ها ورز دادن و مشت کردن گل هاست. خاطرم هست در مسجد
بعضی خانم‌ها به جای مهری که به آن‌ها می‌دادم، تسبیح کربلا به
من می‌دادند. خانمی بود در مسجد که تسبیح درست می‌کرد. یک روز
من تعدادی از تسبیح‌ها را به او دادم. او هم قالب برنجی مهری را که

سر مشق مهرسازی در مسجد عمار یاسر

همسایه مسجد غدیر باغلی است. او که هر روز نمازهایش را به
جز صبح‌ها در مسجد محله می‌خواند، تعریف می‌کند: در مسجد
همیشه دیدن مهرهای شکسته ناراحتی می‌کرد، به ویژه اگر
مهر از خاک متبرک کربلا و حرم امام حسین (ع) بود. یک روز که به
مسجد عمار یاسر در کوچه روبه‌روی مسجد خودمان رفته بودم،
با خانمی آشنا شدم که می‌گفتند مهر درست می‌کند. همان روز
روش درست کردن مهر را از او سؤال کردم و وقتی به خانه آمدم،
همه مهرهای شکسته را در آب خمیر کردم تا بعد چند روز با روشی
که یاد گرفته بودم، مهر تازه درست کنم.

مهرهای دست‌ساز متبرک

عذرا خانم که حدود ۷۵ سال دارد همان طور که خمیر گل‌ها را
مشت می‌کند و روی تخته چوبی می‌گذارد تا با چاقو برش بزند،
می‌گوید: به تر و فرزی الانم نگاه نکن مادر جان! اول کاری،
به قدری مهرها کج و معوج در می‌آمد یا به خاطر گرما و سرما ترک
برمی‌داشت که مجبور می‌شدم همه را دوباره خمیر کنم و از سر خط
شروع کنم.

همان طور که مشغول کار است، ادامه می‌دهد: مهر کربلا و حرم
امام حسین (ع) برای من خیلی حرمت دارد. یک روز مهرهای شکسته
مسجد را با اجازه خادم به خانه آوردم و برای تبرک همه مهرها
آن‌ها را با خاک یا مهرهای شکسته کربلا خیس کردم تا بعد چند روز
خیس خوردن، خمیرش کنم و مهر تازه بسازم. خاطرم هست اولین
مهرها را هم در مسجد محله گذاشتم و یکی هم دادم به مرحوم
همسرم. یک روز در مسجد مهر او از روی طاقچه به زمین افتاده اما
نشکسته بود. دوستان همسرم تعجب کرده بودند و گفته بودند مهر
از چه جنسی است که سالم مانده است. او هم گفته بود هنر دست
خانم هست. بعد آن روز، مسجدی‌هایی که یکی مهرهای شکسته
خانه‌شان را برای من می‌آوردند تا برایشان مهر نو درست کنم.